فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره دهم، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۴۲- ۹

مقاله پژوهشی

تجربهٔ زیستهٔ طلاق (مورد مطالعه: زنان مطلقهٔ شهرستان دره‌شهر – ایلام)

یارمحمد قاسمی[۱]؛ بهروز سپیدنامه[۲]؛ فاطمه پرویزی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۳

چکیده

طلاق فسخ قرارداد ازدواج بین زن و مرد است که به پیامدهای مختلفی منجر می‌گردد. طلاق برای زنان و مردان با دلالت‌های معنایی متفاوتی همراه است. این پژوهش درصدد مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ زنان از پدیدهٔ طلاق است. با توجه به ماهیت برساختی پدیدهٔ مورد مطالعه، پارادایم تحقیق کیفی و با عنایت به این‌که شناخت تجربهٔ زیستهٔ زنان، مورد نظر بوده، روش تحقیق پدیدارشناسی است. جامعهٔ هدف شامل تمامی زنان مطلقهٔ شهرستان دره شهر از توابع استان ایلام است. تعداد اطلاع‌رسان‌ها با توجه به اصل اشباع نظری ۲۰ نفر می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبهٔ نیمه‌ساخت‌مند است. یافته‌های به‌دست‌آمده مؤید آنند که وجهٔ سلبی طلاق برای زنان شامل تألمات روحی، بحران استقلال، طرد اجتماعی و محدودیت‌های ازدواج مجدد است. وجهٔ ایجابی طلاق شامل حمایت و پذیرش اجتماعی و استقرار و استمرار زندگی است. دلالت معنایی طلاق شامل دو مقولهٔ متعارض طلاق به‌مثابه آزادی و طلاق به‌مثابه گرفتاری مجدد است. تعریف مرد از نظر زنان پیش از ازدواج و بعد از طلاق شامل دو خوانش متعارض مرد به‌مثابه شریکی استوار و مرد به‌مثابه شریکی متزلزل است. نتیجهٔ به‌دست‌آمده گواه این است که نظارت شدید اجتماعی و داغ ننگ باعث طرد اجتماعی زنان مطلقه و پریشان‌حالی آنان گشته است.

واژه‌های کلیدی: طلاق؛ تجربهٔ زیسته؛ طرد اجتماعی؛ داغ ننگ؛ زنان مطلقه؛ ایلام.

[۱] استاد گروه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
Y.ghasemi@ilam.ac.ir

[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسندهٔ مسؤول).
b.sepidnameh@ilam.ac.ir

[۳] کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
fatemeparvizi39@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱. بیان مسأله

خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای بشری است که قدمت آن به روزگار خلقت بازمی‌گردد. خانواده همواره کانون توجه اندیشمندان و هنرمندان در گذر زمان بوده است. «به‌طورکلی در نوشته‌های بزرگان دینی و فلاسفه و دانشمندان، نکات مشترکی وجود دارد که عبارت است از: خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات آن است» (اعزازی، ۱۳۸٦: ۱۲-۱۱).

«خانواده از دیدگاهی یک نشان یا نماد اجتماعی شمرده می‌شود و برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. در یک جامعهٔ منحط، خانواده نیز خودبه‌خود منحط خواهد بود. برعکس، در سلامت جامعه، سازمان‌های آن، ازجمله خانواده نیز از سلامت برخوردار خواهند بود؛ اما به‌محض تکوین خانواده همچون هر سازمان اجتماعی دیگر، بر زمینهٔ اجتماعی خود اثر خواهد نهاد، چون خانواده طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین واحد تولیدمثل به شمار می‌آید» (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۳٤).

در حقیقت مفهوم «ساخت اجتماعی» اغلب با مفهوم «ساخت خانواده و خویشاوندی» همراه است و نابسامانی سازمانی خانوادگی یا گسیختگی آن را می‌توان به‌عنوان شکسته شدن واحدهای خانوادگی یا گسیختگی ساحت نقش‌های اجتماعی به علت قصور یا ناتوانی یک یا چند عضو خانواده در اجرای نقش‌های خود تعریف کرد (کاملی، ۱۳۸٦: ۱۸۰).

جامعهٔ ایرانی، جامعه‌ای خانواده‌مدار است. «هر نوع تغییری در جامعهٔ ایرانی، ریشه در خانواده دارد. اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی یا به‌واسطهٔ خانواده محقق شده یا این‌که جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است. با نگاهی به تاریخ ایران به این مفهوم بهتر پی می‌بریم. از طرف دیگر، خانواده نیز بیشتر از دیگر نهادهای اجتماعی متأثر از جریان تغییرات جامعه است. فرد ایرانی دور از سیاست خانه‌نشین است تا کافه‌نشین. بدین لحاظ، حزب و اجتماع سیاسی نیز در حول‌وحوش خانواده سامان می‌یابد تا جایی دیگر؛ به‌عبارت‌دیگر، پاتوق ایرانی نیز بسیار خانواده‌مدار و خانواده‌گراست؛ همان‌طور که حزب ایرانی نیز خانواده‌مدار و خانواده گراست» (آزاد ارمکی، ۱۳۸٦: ۳).

خانواده نظیر هر نهاد اجتماعی دیگر با دگرگونی اوضاع‌واحوال و با پدید آمدن موج تغییرات اجتماعی دچار دگرگونی می‌گردد. این دگرگونی‌ها گاه ایجابی و گاه سلبی‌اند. دگرگونی‌های

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سلبی، خانواده را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازند. «خانوادهٔ ایرانی در دورهٔ مدرن با چالش‌های عمده‌ای از قبیل افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، تفاوت‌های نسلی و مقاومت‌های فرهنگی و اجتماعی در مقابل دولت و نظام سیاسی مواجه است» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). در بین چالش‌های یادشده، طلاق بیشتر از همه، موجودیت خانواده را به خطر انداخته و دستخوش تغییر نموده است. به‌عبارتی‌دیگر «یکی از نشانه‌های تغییر در خانوادهٔ ایرانی، روند افزایش نرخ طلاق در شهر و روستاست» (آزاد ارمکی، ۱۳۸٦: ۱۳۰).

«خانواده به هر شکلی که باشد حول‌وحوش ازدواج پای می‌گیرد که رابطه‌ای قانونی شامل همکاری اقتصادی و رابطهٔ جنسی و بچه‌دار شدن است» (مشونیس، ۱۳۹٦: ۱٦۹). ازدواج، قراردادی است که انعقاد و فسخ آن سبب تکوین و اضمحلال خانواده می‌شود و اضمحلال هر خانواده‌ای، آثار نامناسبی بر نهاد کارگزاران آن و آحاد جامعه خواهد نهاد و طلاق، فسخ قراردادی است که زن و شوهر به‌قصد همراهی طولانی یکدیگر در سفر زندگی بسته‌اند.

آمارهای سازمان ملل متحد و مرکز بهداشت جهانی مؤید آن‌اند که طلاق در طی یک دههٔ گذشته در جهان در حال افزایش است تا جایی که می‌توان از این پدیده با عنوان جهانی‌شدن طلاق یاد کرد. در سال ۲۰۲۱ کشورهای مالدیو (۵/۲۵)، قزاقستان (٤/٦)، روسیه (۳/۹)، بلژیک (۳/۷)، بلاروس (۳/۷)، مولدوای (۳/۳)، چین (۳/۲)، کوبا (۲/۹)، اوکراین (۲/۸)، آمریکا (۲/۷)، دانمارک (۲/۷)، لیتوانی (۲/۷)، لتونی (۲/۷)، قبرس (۲/٦)، لیختن‌اشتاین (۲/٦)، سان مارینو (۲/٦)، سوئد (۲/۵)، لیبی (۲/۵)، فنلاند (۲/٤)، مصر (۲/۳)، تایوان (۲/۳)، کاستاریکا (۲/۳)، لوکزامبورگ (۲/۳) به ترتیب بالاترین نرخ طلاق در جهان را داشته‌اند و ایران با نرخ ۲/۱ پس از این کشورها، در ردهٔ بیست و چهارم جهان قرار دارد (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱).

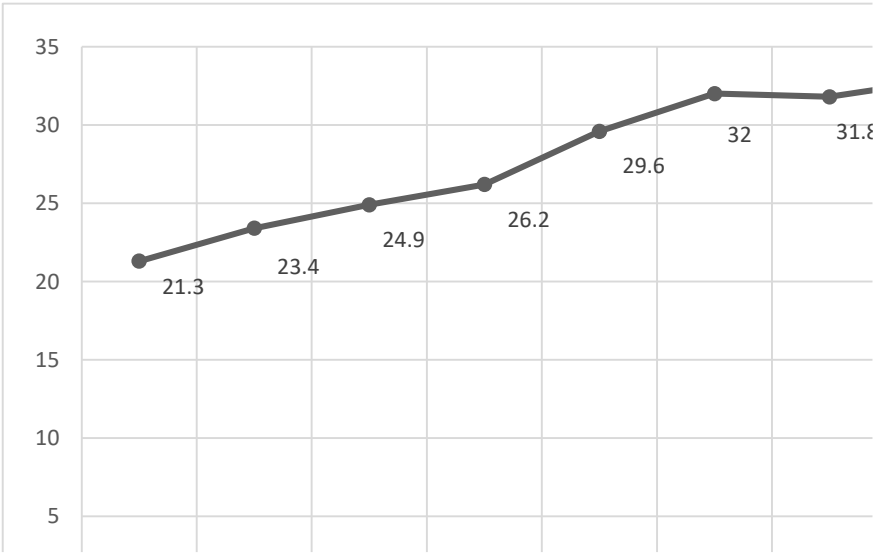
بر اساس آمار سازمان ثبت و احوال کشور میزان طلاق در ایران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ در حال افزایش بوده است. به پیروی از افزایش میزان طلاق، نسبت طلاق به ازدواج نیز در حال افزایش بوده است. نسبت طلاق بیانگر تعداد طلاق در مقابل صد ازدواج در طول یک سال است «که نماینده‌ای از تشکیل خانواده و استحکام زندگی زناشویی و مقاومت آن در مقابل مشکلات و مسائل تهدیدکنندهٔ رابطهٔ نکاحی زن و مرد است» (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شمارهٔ یک- روند طلاق در ایران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹

سال/ تعداد	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹٤	۱۳۹۵	۱۳۹٦	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
تعداد ازدواج	۷۹٤۳۸۳	۷۵۲۹۹۸	۷۰۱٤۲٦	٦۷۱۱۲٤	٦۱۰٦۵۷	۵۵٤۱۳۱	۵۳۳۱۷٤	۵۵٦۷۳۱
تعداد طلاق	۱٦۹۰۹۳	۱۷۵۸۰۱	۱۷٤٤٤۹	۱۷۵۵۵٤	۱۸۰٦۰۰	۱۷۷٤۰٤	۱۷٦۸۱٤	۱۸۳۱۹۳
نسبت طلاق	۲۱,۳	۲۳,٤	۲٤,۹	۲٦,۲	۲۹,٦	۳۲	۳۱,۸	۳۲,۹

(منبع: سازمان ثبت احوال کشور)



شکل شمارهٔ یک- نسبت طلاق به ازدواج در ایران در فاصلهٔ بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹

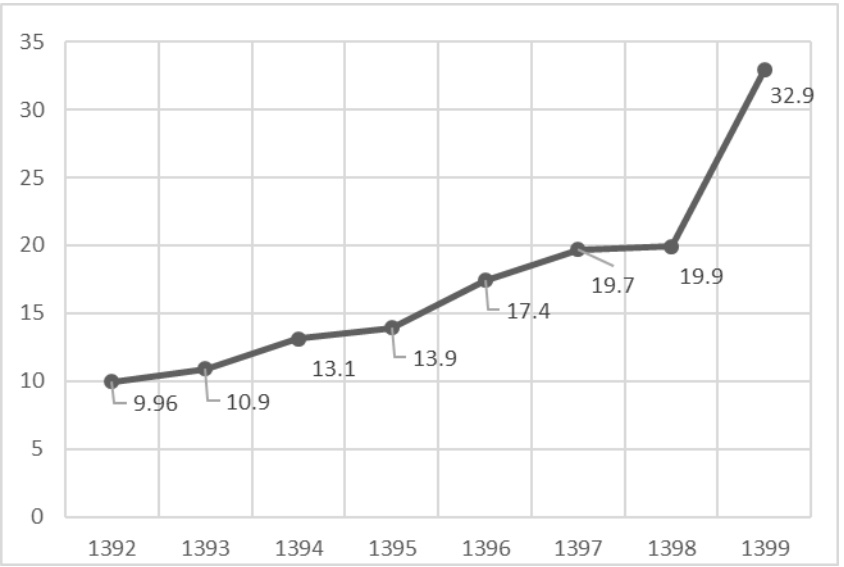
میزان طلاق در استان ایلام در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ نیز نظیر روند کشوری آن، افزایشی بوده است به پیروی از چنین وضعیتی، نسبت طلاق به ازدواج نیز در استان ایلام افزایش‌یافته است.

جدول شمارهٔ دو- روند طلاق در استان ایلام از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹

سال/ تعداد	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹٤	۱۳۹۵	۱۳۹٦	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
تعداد ازدواج	٦٤۱۳	۵۸۰۲	۵۷۸۲	۵٦۲۹	۵۰۵۱	٤٤۲۵	٤۰۹۱	٤۳۲۹
تعداد طلاق	٦۳۹	٦۳۸	۷۵۸	۷۸۳	۸۸۲	۸۷٤	۸۱۵	۸۸۹
نسبت طلاق	۹,۹٦	۱۰,۹	۱۳,۱	۱۳,۹	۱۷,٤	۱۹,۷	۱۹,۹	۲۰,۵

(منبع: سال‌نامه آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۹، اداره کل ثبت احوال استان ایلام)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



شکل شمارهٔ دو- نسبت طلاق به ازدواج در استان ایلام در فاصله بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹

در سال ۱۳۹۹ درمجموع ۸۸۹ واقعهٔ طلاق در استان ایلام به ثبت رسیده است که از این تعداد ۷٦۷ (۸٦,۳ درصد) فقرهٔ شهری و ۱۲۲ (۱۳,۷ درصد) فقرهٔ روستایی بوده است. تعداد طلاق‌های ثبت‌شده در سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سال قبل، ۹,۱ درصد افزایش داشته است (سال‌نامه آمارهای جمعیتی ادارهٔ کل ثبت احوال استان ایلام، ۱۳۹۹).

میزان عمومی (نرخ خام) طلاق، فراوانی واقعهٔ طلاق در بین کل جمعیت را نشان می‌دهد. این شاخص در سال ۱۳۹۹ در استان ایلام برابر با ۱/۵ در هزار بوده است که این شاخص نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۹ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در استان ۱/۵ واقعهٔ طلاق به وقوع پیوسته است. این شاخص در شهرستان دره شهر برابر با ۱/٦ در هزار بوده که بالاتر از میانگین استان بوده است. در سال ۱۳۹۹ بالاترین میانگین سن طلاق در استان در بین زنان و مردان مربوط به شهرستان دره شهر بوده است (در بین مردان ۳۸/۰۹ و در بین زنان ۳۳/۱۷) (همان).

افزایش میزان طلاق بیانگر شکسته شدن تابویی است که پیش‌تر از این عدول از آن بسیار دشوار می‌نمود. طلاق ممکن است به‌عنوان راه‌حلی برای عبور از تنگناها تلقی گردد؛ زیرا هیچ انسانی با انگیزهٔ طلاق، ازدواج نمی‌کند. این پدیده در تمامی جوامع بشری دیده می‌شود و باید پذیرفت که طلاق یک راه حل است و هنگامی‌که زن و شوهر در روابط مادی و معنوی خود به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بن‌بست می‌رسند، می‌توانند از آن به‌عنوان آخرین راه‌حل استفاده کنند (کاوه، ۱۳۹۱: ۱۰۳٤). امروزه شاهد آنیم که نظر نسل‌های نسبت به طلاق تغییر کرده است. اگر در نسل اول، طلاق امری خلاف عرف تلقی می‌شد و آن را ناروا می‌دانستند، در میان جوانان، طلاق یکی از راه‌های نجات از مشکلات در خانه است؛ به‌عبارت‌دیگر، وقتی امکان زندگی در خانه وجود ندارد، تنها راه‌حل طلاق است نه سازش یا ایثار (آزاد ارمکی، ۱۳۸٦: ۱۳٦).

طلاق هرچند که از یک‌سو راه‌حلی برای خاتمه دادن به بحران به شمار می‌رود و ممکن است دارای آثار ایجابی متعددی باشد، اما از سوی دیگر آثار نامناسبی را متوجه افراد طلاق‌گرفته می‌نماید و در این میان زنان بیشتر از مردان متضرر می‌شوند. در خصوص پیامدهای طلاق که متوجه زنان است، پژوهش‌های متعددی انجام‌شده که غالب آن‌ها در گسترهٔ پارادایم کمی قرار دارند، اما در رابطه با تجارب زیستهٔ زنان مطلقه از پدیدهٔ طلاق در سال‌های اخیر پژوهش‌های جامعه‌شناختی چندانی انجام نشده است. در استان ایلام نیز این خلأ پژوهشی به عینه مشاهده می‌شود.

تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقه، روایت مبهمی است که نیاز به درون فهمی و بازسرایی دارد. درک دنیای زنان مطلقه و دلالت‌های معنایی آنان از طلاق و چگونگی برساخت معنایی آن، می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی را در تدوین برنامه‌ها و پیوست‌های فرهنگی برای رسیدگی به اوضاع و احوال این نیمهٔ غایب جامعه یاری رساند.

همان‌گونه که ذکر شد میانگین طلاق در شهرستان دره شهر بالاتر از میانگین استانی است. حدوث طلاق در این شهرستان به پدید آمدن قشر جدیدی از زنان منجر شده که تجارب زیستهٔ متفاوتی دارند. گاه با داغ ننگ، زمانی با طرد اجتماعی و گاه با کسب هویتی جدید مواجه می‌شوند. روایت این قشر از زندگی، حکایت ناگفته و نانوشته‌ای است که بی‌توجهی به آن سبب مفغول ماندن صدای آنان خواهد گشت. خلأ پژوهشی موجود نیز ضرورت انجام پژوهشی اکتشافی در این راستا را دوچندان نموده است. بر این اساس، پژوهشگران مسألهٔ تحقیق را این‌گونه بیان می‌دارند: تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقهٔ دره شهر از طلاق چگونه است؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۲. پیشینهٔ تجربی

مهم‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقه طی چند سال گذشته عبارت‌اند از:

جدول شمارهٔ سه- پیشینه تجربی

پژوهشگر (ان)	سال	عنوان	روش	یافته
یاریگر روش	۱۴۰۱	تجربهٔ زیستهٔ زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق	تحلیل تماتیک	مشکلات مالی و مسألهٔ ملاقات با پدر از مشکلات پس از جدایی مادر از همسر است
رضایی نسب	۱۴۰۰	فرآیند شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقهٔ شهر ایلام	گراندد تئوری	مدل پارادایمی با مقولاتی مانند باور زنان نسبت به مسألهٔ طلاق، شرایط علی با مقولهٔ «شرایط تنش‌زا و شرایط میانجی با مقوله‌هایی مانند نبود مهارت‌های ارتباطی بین فردی، ناهمسان همسری، فشار هنجاری، زیست دوگانه، شرایط زمینه‌ای با مقوله‌هایی مانند بستر اقتصادی، بستر فرهنگی، کژ کارکردی خانواده‌ها و راهبردهایی مانند اعتراض به وضعیت، راهبردهای اجباری نزدیکی به شکست، مدیریت وضعیت و پیامدهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی منتهی شد. با در نظر گرفتن رابطهٔ بین مجموعه مقولات، مفهوم دوسوگرایی جامعه‌شناختی که در آن شاهد تناقضات میان هنجار اصلی (هنجارهای برگرفته از سنت‌ها و عصبیت‌ها) و ضد هنجار فرعی (ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی مدرن) هستیم، استخراج شد.
اردلی و همکاران	۱۴۰۰	مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ زوج‌های در معرض طلاق و طلاق گرفته شهر اهواز و و تدوین بستهٔ آموزشی پیشگیری از طلاق	گراندد تئوری	عدم رضایت زناشویی به عنوان مقولهٔ محوری شناسایی شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پژوهشگر (ان)	سال	عنوان	روش	یافته
شفیعی‌نیا و همکاران	۱۴۰۰	تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقه با طلاق‌های غیرمنتظره: یک مطالعه کیفی	پدیدار شناسی	تجربه طلاق در زنان به معنای قرارگیری در چتری از آسیب‌پذیری‌های فردی، اجتماعی و بروز پیامدهای مختلفی است که آنان را به بهره‌گیری از مکانیسم‌های حفاظتی همانند مذهب، پنهان‌کاری و تلاش برای سازگاری با شرایط جدید و کاهش آسیب‌های روانی، اجتماعی و جنسی سوق می‌دهد.
عبداللهی و همکاران	۱۳۹۹	تجربهٔ طلاق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران (در پنج سال اول زندگی)	تحلیل تماتیک	کاهش عزت‌نفس، نگرش منفی به جنس مخالف و زندگی متأهلی و ازدواج، تمایل به روابط کوتاه‌مدت، بدبینی متقابل در خانواده، افزایش تنش بین اعضاء، تضعیف جایگاه بین اقوام و آشنایان، افزایش مزاحمت‌ها، کاهش مسؤولیت اجتماعی و اقدام به زندگی مستقل از پیامدهای طلاق در سال‌های اول زندگی است.
امانی و همکاران	۱۳۹۸	شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان	پدیدار شناسی	ناامنی در تعاملات اجتماعی، مشکلات اقتصادی، مشکلات ساختاری خانواده، مشکلات تحولی و رشدی، نشانگان افسردگی، الگوهای ناکارآمد سازگاری و مشکلات تحصیلی به‌عنوان پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان می‌باشند.
حیاتی و سلیمانی	۱۳۹۷	پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه	پدیدار شناسی	پیامدهای طلاق شامل ۱۲ زیر مضمون بوده است که در سه مضمون اصلی ۱- پیامدهای اجتماعی، فرهنگی ۲- پیامدهای اقتصادی و مالی ۳-پیامدهای شخصی و هیجانی طبقه‌بندی‌شده است
آرمند و اژدری	۱۳۹۷	زندگی زنان پس از طلاق	کیفی	زنان پس از طلاق احساس تنهایی کرده و با مشکلات مالی اقتصادی فراوانی همراه بودند. برخی از زنان مطلقه دارای فرزند تمایل به ازدواج مجدد داشتند، اما نگران آیندهٔ فرزندان خود بودند. مهم‌ترین مسألهٔ این زنان مشکلات مالی و عدم حمایت مالی و اجتماعی از سوی دولت و نهادهای دولتی بود.
خلج آبادی و همکاران	۱۳۹۶	تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقهٔ شهر ساوه در حوزهٔ روابط خانوادگی و اجتماعی	پدیدار شناسی	جوهرهٔ مشترک در تجربیات زنان در روابط خانوادگی، محیط حمایتی و کنترلی و در روابط اجتماعی، طرد اجتماعی درون‌زا و برون‌زا و فضای ناایمن شغلی و اجتماعی بود.
نوابی‌نژاد و همکاران	۱۳۹۶	معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعهٔ کیفی پدیدارشناسانه	پدیدار شناسی	طلاق پدیده‌ای چندمعنایی و چندبعدی است که متأثر از شخص، جنسیت، شرایط اجتماعی و فرهنگی فرد می‌باشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پژوهشگر (ان)	سال	عنوان	روش	یافته
خجسته مهر و همکاران	۱۳۹۶	فرزندپروری پس از طلاق	کیفی	والدین، فرزندپروری پس از طلاق را تکلیف چالش‌برانگیزی توصیف می‌کنند. چگونگی ارتباط والدین، نیازهای فردی و منابع حمایتی آن‌ها پس از طلاق، می‌تواند نگرش و هیجانات والدین نسبت به فرزندپروری را تحت تأثیر قرار دهد. آسیب روانی، رشد و پختگی، از تجارب والدین در جریان فرزندپروری پس از طلاق می‌باشد.
نیکبخت نصرآبادی و همکاران	۱۳۹۵	تجربهٔ زندگی زنان پس از طلاق	پدیدار شناسی	تجربهٔ طلاق در زنان به‌معنای قرارگیری در چتری از آسیب‌پذیری‌های فردی، اجتماعی و بروز پیامدهای مختلفی است که آنان را به بهره‌گیری از مکانیسم‌های حفاظتی همانند مذهب، پنهان‌کاری و تلاش برای سازگاری با شرایط جدید و کاهش آسیب‌های روانی، اجتماعی و جنسی سوق می‌دهد.
آقایی	۱۳۹٤	مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ مردان و زنان طلاق گرفته شهر شیراز	گراندد تئوری	احصاء دوازده مقوله. مقولهٔ هسته طلاق آسان‌تر نتیجه نامتناسب بودن مبادلهٔ اجتماعی در ازدواج و تغییر ارزش‌های اجتماعی و تغییر رویکرد نسبت به طلاق است.
حسنی و همکاران	۱۳۹۲	پیامدهای طلاق برای زنان مطلقهٔ شهر مشهد	تحلیل تماتیک	علی‌رغم مشکلات فراوانی که طلاق برای زنان به دنبال دارد پیامدهای مثبتی نیز برای آنان به همراه دارد. هرچند که هنوز هم تمامی زنان نیاز به حمایت را احساس می‌کنند و از تنهایی در زندگی به‌شدت ناراحت‌اند. تعداد زیادی از زنان باوجود مشکلات بسیاری که در زندگی قبلی داشته‌اند، اما هم چنان تمایل به ازدواج مجدد دارند و این امر نشان‌دهندهٔ پایبندی زنان به خانواده و ارزش‌مند دانستن خانواده برای آنان است. زنانی که به علت دارا بودن حضانت فرزند امکان ازدواج برایشان فراهم نیست، با وقف خود برای فرزندانشان سعی می‌کنند از برچسب خوردن در جامعه رهایی یابند.
زارعی و همکاران	۱۳۹۲	طلاق از دیدگاه زن مطلقه	تحلیل محتوای کیفی	مؤلفه‌های متعددی در معناسازی طلاق نقش دارند که این مؤلفه‌ها مشمول پیامد و تجارب درک شده، ادراک، باورهای جمعی، نمادسازی و جنسیت است.
تان هونه و هیو هیان	۲۰۲۲	تطبیق پس از طلاق زنان مهاجر ویتنامی در تایوان	پدیدار شناسی	زنان مطلقه همیشه تحت تأثیر هنجارهای جنسیتی قرار می‌گیرند، نقش خود را در جامعه بیشتر تأیید می‌کنند. و به ارتقای چهره زنان مسئول ادامه می‌دهند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پژوهشگر (ان)	سال	عنوان	روش	یافته
حامد قمر و فائزه فایزان	۲۰۲۱	دلایل، تأثیر و تعدیل پس از طلاق: تجربهٔ زندگی زنان مطلقه در پاکستان	پدیدار شناسی تفسیری	مشکلات زنان مطلقه عبارت‌اند از: انگ اجتماعی، دردهای روانی، بحران اقتصادی و مسائل ازدواج مجدد. یافته‌ها همچنین ادراکات مربوط به مسؤولیت‌پذیری الهی، حمایت مادرزادی و ارزش کودکان را به‌عنوان منابع مقابله‌ای برای سازگاری بعدی نشان داد.
پیرک و همکاران	۲۰۱۹	پشیمانی پس از طلاق در بین زنان ایرانی: یک مطالعهٔ کیفی	تحلیل محتوای کیفی	مقولات مستخرج: تهدید هویت (انگ، تبدیل‌شدن به شیء جنسی، تبعیض)، از دست دادن استقلال (وابستگی اقتصادی، عدم استقلال در انتخاب محل زندگی، تحت کنترل بودن)، آیندهٔ مبهم (نگرانی در مورد آیندهٔ کودکان، اندک). شانس ازدواج مجدد مناسب، ترس از تنهایی و نبود شوهر و نقش او نیازهای عاطفی و جنسی، نیاز فرزندان به پدر، نیاز به حامی و امنیت. یافته‌های این مطالعه نشان داد که بسیاری از شرکت‌کنندگان پس از طلاق درگیر مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و حمایتی بوده‌اند. اکثر شرکت‌کنندگان پس از طلاق نتوانستند خود را با زندگی وفق دهند و درنتیجه از تصمیم خود برای طلاق پشیمان شدند؛ بنابراین لازم است حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب بر اساس فرهنگ جامعه از این زنان صورت گیرد.

۳. پیشینهٔ پژوهش

از منظر معرفی روش تحقیق، برخی از پژوهش‌های کیفی انجام‌شده در خصوص تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقه روش پژوهش را معرفی نموده‌اند و تعدادی از آن‌ها پارادایم کیفی را به‌جای معرفی روش تحقیق کیفی منظور کرده و شاهد نوعی سردرگمی روشی هستیم. برخی دیگر از پژوهش‌ها تکنیک تحلیل موضوعی (تحلیل تماتیک) که نوعی استراتژی استخراج و کدگذاری داده‌هاست را به‌جای روش در نظر گرفته‌اند. مابقی پژوهش‌های انجام‌شده هم در انتخاب روش (پدیدارشناسی، تحلیل محتوای کیفی، گراندد تئوری) و هم معرفی آن به‌درستی عمل نموده‌اند.

برای پژوهشگران حوزهٔ طلاق، علل و عوامل طلاق و پیامدهای آن بیشتر مورد نظر بوده و التفات آنان به تجارب زیستهٔ زنان مطلقه کمتر بوده است. نکتهٔ قابل توجه دیگر آن است که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پژوهشگران حوزۀ روان‌شناسی، مشاوره و سلامت بیشتر از حوزۀ جامعه‌شناسی به این پدیده پرداخته‌اند.

یافته‌های به‌دست‌آمدۀ اکثریت قریب به‌اتفاق پژوهش‌ها، بیانگر پیامدهای سلبی طلاق و تجارب ناگوار زنان از این پدیده است و تنها حسنی و همکاران (۱۳۹۲) به ذکر تجارب مثبت زنان مطلقه پرداخته‌اند. البته ذکر این نکته ضروری است که محقق نمی‌تواند نظر خود را بر تحقیق تحمیل نماید و ممکن است یافته‌های به‌دست‌آمده، گزارش افراد طلاق گرفته از زندگی پس از طلاق است.

در استان ایلام نیز تجارب زیستۀ زنان مطلقه کمتر مورد التفات پژوهشگران بوده است و موارد معدودی که این پدیده را مورد مطالعه قرار داده مشاهده می‌شود (رضایی نسب، ۱٤۰۰). اکثر پژوهش‌های انجام‌شدۀ حوزۀ طلاق در استان ایلام، کمی و در پی احصاء علل و عوامل طلاق‌اند. عواملی نظیر شبکه‌های مجازی (مؤمنی و زرین‌جوی الوار، ۱۳۹٦)، تعامل خانواده و ماهواره (اسماعیلی و صید یوسفی، ۱۳۹٦)، الکسی تایما و رضایت زناشویی (شیری و بهامین، ۱۳۹۳)، تاب‌آوری و رضایت زناشویی (اسکندر پور، ۱۳۹۵)، طبقۀ اجتماعی (پیری، ۱۳۸٦)، علل طلاق (محسنی ۱۳۹۵ و میرزایی ۱۳۹۸). برخی از پژوهش‌ها، سلامت روان فرزندان طلاق بدون والد و عادی را مدنظر قرار داده‌اند. (مامی و صی گلاب، ۱۳۹۵). تعدادی دیگر از پژوهش‌ها، فعالیت‌های مداخله‌ای نظیر حمایت اجتماعی و حل تعارض را رصد کرده‌اند. (گل خرمی، ۱۳۹۸)؛ و تعدادی دیگر به احصاء علل و عوامل طلاق عاطفی پرداخته‌اند. عواملی نظیر سبک زندگی متأثر از فضای مجازی (مظفری نیا و قاسمی پور، ۱۳۹٦)، سلامت عمومی (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۸).

٤. سؤالات پژوهش

٤-۱. مهم‌ترین تجارب زیستۀ سلبی و ایجابی زنان مطلقه از طلاق کدامند؟

٤-۲. مهم‌ترین دلالت‌هایی معنایی زنان مطلقه از طلاق کدام است؟

٤-۳. تعریف پیش از طلاق و پس از طلاق زنان مطلقه از مرد چگونه است؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۵. چارچوب مفهومی:

با توجه به این‌که پژوهش کیفی – در معنی عام – و پدیدارشناسی – در معنی خاص- بر منطق استقراء استوارند و با عنایت به این امر که استقراء فرآیندی تجربی – تجریدی و مبتنی بر کشف و درون فهمی است، لذا برای محقق شدن اکتشاف، ضروری است که محقق بدون پیش‌فرض وارد میدان پژوهش گردد. بر این اساس به‌جای تدوین چارچوب نظری که خاص پژوهش‌های کمی و مبتنی بر منطق قیاس است (تجریدی – تجربی) به تدوین چارچوب مفهومی می‌پردازد. این چارچوب دربرگیرندۀ مفاهیم حساسی[1] است که موجبات حساسیت نظری[2] محقق در میدان تحقیق را فراهم نموده و امکان اشباع نظری را میسر می‌سازند. سازه‌های مفهومی موجود در چارچوب مفهومی پژوهش حاضر در ارتباط با پدیدۀ مورد مطالعه‌اند و در بخش نتیجه‌گیری و بحث با یافته‌ها مفصل‌بندی[3] شده‌اند.

۱-۵. سازه‌های مفهومی:

۱-۱-۵. داغ ننگ

یکی از مهم‌ترین مسائلی که آروین گافمن[4] به آن پرداخته است، وجود «داغ» [5] است که به مسألۀ هویت خدشه‌دار اشاره می‌کند. «اصطلاح داغ ننگ برای اشاره به ویژگی یا صفتی به‌کاربرده خواهد شد که شدیداً بدنام‌کننده یا ننگ‌آور است؛ اما باید توجه کرد که قدرت داغ زنی یک صفت نه در ذات خودش، بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد. به‌عبارت‌دیگر، صفتی که داغ ننگ بر پیشانی فرد دارای آن می‌زند، می‌تواند به عادی جلوه دادن فرد دیگر کمک کند و بنابراین فی‌نفسه نه خوش‌نام کننده باشد و نه بدنام‌کننده» (گافمن، ۱۳۸٦:۳۲).

۵-۱-۲. طرد اجتماعی

طرد اجتماعی[6] حاکی از راه و روش‌هایی است که طی آن‌ها افراد از مشارکت کامل در جامعۀ بزرگ‌تر محروم می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸٦: ٤٦٥-٤٦٦). در یک نظام اجتماعی، فقدان

[1] Sensitive Concepts
[2] Theoretical Sensitivity
[3] articulation
[4] Erving Goffman
[5]-Stigma
[6] Social exclusion

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پیوندهای پل‌زن با گروه‌های دیگر، موجب تکه‌پاره شدن و تجزیهٔ گروه‌های درون اجتماع و کندی شیوع و گسترش اطلاعات و ایده‌های جدید شده، اقدامات و تلاش‌های علمی را عقیم می‌گذارد و خرده گروه‌هایی را که به‌واسطهٔ نژاد، قومیت، جغرافیا یا ویژگی‌های دیگر مجزا شده‌اند، در دست‌یابی به یک شیوهٔ زندگی معین با مشکل روبه‌رو می‌سازد (فیروزآبادی،۱۳۹۲: ۱۲۸).

۳-۱-۵. حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی[1] به‌عنوان یکی از اثرات و کارکردهای روابط اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی، ازجمله جنبه‌های ارضاکنندهٔ هیجانی و عاطفی زندگی قلمداد می‌شود. حمایت اجتماعی عبارت است از کسب اطلاعات، کمک‌های مادی، طرح یا توصیهٔ سلامتی، حمایت عاطفی از دیگرانی که فرد به آن‌ها علاقه‌مند است یا ارزش‌مند تلقی می‌شوند و بخشی از شبکهٔ اجتماعی به شمار می‌روند؛ مانند همسر، بستگان، دوستان و نیز تماس‌های اجتماعی با کلیسا (تیلور، ۱۹۹۹، به نقل از افشانی و محمدی، ۱۳۹٤: ۵۱).

کوب (۱۹۷٦) حمایت اجتماعی را مجموعه اطلاعاتی تعریف می‌کند که شخص را به این اعتقاد می‌رساند که در یک شبکهٔ ارتباطی مورد توجه و علاقهٔ دیگران است و از سوی آن‌ها باارزش و محترم شمرده می‌شود و درنتیجهٔ چنین باوری این احساس به فرد دست می‌دهد که به آن شبکهٔ ارتباطی متعلق است (رستگار خالد، ۱۳۸٤: ۱۳٦).

کهن و ویلز[2] نیز حمایت اجتماعی را چهار نوع می‌دانند: **۱. حمایت عزت‌مند:** فرد محترمانه مورد پذیرش دیگران است و به او و تجاربش احترام می‌نهند. **۲. حمایت اطلاعاتی:** فرد در اثر ارتباط با دیگران آگاهی و دانش بیشتری کسب می‌کند. **۳. حمایت عاطفی:** محبت و همدردی دیگران کاملاً با فرد مشهود است و احساس همتایی می‌کند. **٤. حمایت ابزاری:** تهیه و تدارک کمک‌های مالی، عملی، منابع مادی، امکانات و خدمات موردنیاز فرد است (زاهدی اصل و صالح، ۱۳۹۳: ۲۱۷).

[1] Social support
[2] Cohen and Wills

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۵-۱-٤. هراس اجتماعی

هراس اجتماعی[1] ترس شدید و ماندگار از موقعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی‌ای که در آن‌ها فرد احساس عذاب و تحقیر می‌کند، نظیر سخنرانی در جمع یا شرکت در مجالس عمومی است. هراس اجتماعی می‌تواند به‌صورت عام باشد که در آن فرد در هر موقعیت یا کنش متقابل احساس ترس شدید دارد یا به‌صورت غیر عام یا موقعیتی که در آن فرد در موقعیت‌ها و تحت شرایط معینی و یا کنش‌های متقابل خاصی احساس ترس شدید دارد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۱۲٤).

۵-۱-۵. نظارت اجتماعی (کنترل اجتماعی)

نظارت اجتماعی[2] مجموعه منابع مادی و نمادی است که جامعه برای تأمین همسانی رفتار اعضایش با مجموعه‌ای از قواعد و اصول تجویزشده و دارای ضمانت اجرایی در اختیار دارد (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ٦۷۳). کنترل اجتماعی به دو وجه متمایز صورت می‌پذیرد: الف: یا از طریق اجبار اجتماعی که بر اساس آن افراد را به پذیرش شیوه‌های زندگی و مدل‌های رفتاری محیط، یا کاربرد وسایل گوناگونی نظیر مجازات‌های حقوقی و تنبیه به جهت ارتکاب جرائمی وامی‌دارند. ب: یا از طریق اقناع که بر اساس آن افراد را به انجام رفتارهایی یکسان مجبور می‌سازند و آنان را به پذیرش هنجارهای رفتاری با تکیه بر آزادی و یا دست‌کم رعایت آن وادار می‌سازند. وسایل مختلف اقناع عبارت‌اند از: تبلیغ، اعطای پاداش و اعتبار و مناصب و مقامات، تمجید و استعانت از ارزش‌های اخلاقی (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۳٤۸).

٦. روش‌شناسی

با توجه به ماهیت برساختی پدیدهٔ مورد مطالعه، پارادایم تحقیق، کیفی و بنا به‌ضرورت درون فهمی تجربه‌های زیستهٔ مشارکت‌کنندگان، روش تحقیق پدیدارشناسی[3] می‌باشد. «پژوهش پدیدارشناسی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها است؛ آن‌گونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند. درواقع پدیدارشناسی به توصیف معانی یک مفهوم یا پدیده از دیدگاه عده‌ای از مردم و برحسب تجارب زیستهٔ آنان در آن مورد می‌پردازد» (بودلایی، ۱۳۹۵: ۱۵).

[1] Social phobia
[2] Social Control
[3] Phenomenology

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

از میان شیوه‌های مختلف پدیدارشناسی، در این پژوهش از روش «پدیدارشناسی استعلایی» یا تجربی[۱] استفاده شده است. این رویه شامل تعیین پدیدهٔ مورد مطالعه، جداسازی تجارب شخصی و گردآوری داده‌ها از چندین شخص که پدیده را تجربه کرده‌اند می‌شود. سپس پژوهشگر داده‌ها را با تقلیل اطلاعات به اظهارات یا نقل‌قول‌های مهم[۲] و ترکیب این اظهارات در قالب مضامین تحلیل می‌کند. در ادامه، پژوهشگر توصیفی زمینه‌ای[۳] از تجارب افراد (آنچه مشارکت‌کنندگان تجربه کرده‌اند) و همچنین توصیفی ساختاری[۴] از تجارب آنان (چگونگی تجربهٔ آن‌ها بر اساس شرایط، وضعیت‌ها و بافت) و ترکیبی از توصیفات متنی و ساختاری برای نشان دادن ذات فراگیر آن تجربه ارائه می‌کند (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۲).

جامعهٔ هدف[۵] این پژوهش تمامی زنان مطلقه‌ی شهر دره شهر است که ازدواج مجدد نکرده‌اند. اطلاع‌رسان‌ها[۶] از طریق نمونه‌گیری هدف‌مند[۷] و در دسترس انتخاب شدند. مبنای تعداد اطلاع‌رسان‌ها معیار رسیدن به نقطه‌ی اشباع[۸] بود که با ۲۰ نمونه اشباع[۹] حاصل گردید (رک: جدول ۳). ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته[۱۰] بود. متن مصاحبه‌ها به‌طور کامل و با شرح جزییات پیاده شده تا بتوان به درک کاملی از آنچه مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند دست یافت. بعد از این مرحله، محققان اقدام به کدگذاری اظهارات مشارکت‌کنندگان نموده و تم‌های فرعی و اصلی استخراج و تعریف شدند. قابلیت تصدیق[۱۱] یافته‌ها از طریق حضور مستمر پژوهشگران در میدان تحقیق و رعایت دقیق و منظم مراحل پژوهش و قابلیت انتقال[۱۲] یافته‌ها از طریق مقارنه و مقایسه یافته‌ها با پیشینهٔ تجربی، چارچوب مفهومی و آرای اندیشمندان و صاحب‌نظران محقق گشت.

---

[1] Empirical phenomenology
[2] Significant statements or quotes
[3] Textural description
[4] Structural description
[۵] با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، از اصطلاح جامعهٔ هدف به‌جای جامعهٔ آماری بهره گرفته‌شده است
[6] Purposive sampling
[7] Informant
[8] Point of Saturation
[9] Saturation
[10] semi structured
[11] Credibility
[12] Transferability

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شمارهٔ چهار- مشخصات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش

کد	سن	مدت طلاق (سال)	اشتغال	سطح سواد	وضعیت فرزندان	نحوه زندگی	تحت حمایت	محل سکونت
۱	۲۹	۱	خانه‌دار	کاردانی	یک پسر	با پدر و مادر	خانواده	روستا
۲	۲۷	۱	بافنده	دیپلم	بدون فرزند	با پدر و مادر	خانواده	شهر
۳	۳۷	۵	آرایشگر	اول راهنمایی	یک پسر	با پدر و مادر	مستقل	شهر
٤	٤۰	۱۰	خانه‌دار	پنج ابتدایی	یک دختر	مستقل	کمیته	شهر
۵	٤۳	۱۲	بافنده	پنج ابتدایی	بدون فرزند	با پدر و مادر	بهزیستی	روستا
٦	۳۲	۵	خانه‌دار	دانشجو	بدون فرزند	با پدر و مادر	خانواده	روستا
۷	٤۷	۲۰	خانه‌دار	بی‌سواد	یک دختر	تنها	کمیته	روستا
۸	۲۸	۳	خانه‌دار	دانشجو	بدون فرزند	با پدر و مادر	خانواده	شهر
۹	٤۷	۷	خانه‌دار	بی‌سواد	بدون فرزند	با برادر	بهزیستی	شهر
۱۰	۲۳	۱	کشاورز	دیپلم	یک پسر	با پدر و مادر	خانواده	شهر
۱۱	۲۵	۱	خانه‌دار	دیپلم	یک پسر	با پدر و مادر	خانواده	روستا
۱۲	٤۷	۱۲	خانه‌دار	بی‌سواد	چهار فرزند	مستقل	کمیته و بهزیستی	شهر
۱۳	٤۲	٤	خانه‌دار	دیپلم	یک دختر	با برادر و مادر	بهزیستی	شهر
۱٤	۳۰	۱	خانه‌دار	دیپلم	بدون فرزند	با پدر و مادر	کمیته	روستا
۱۵	۵۰	٦	کارگری	بی‌سواد	هفت فرزند	مستقل	کمیته و بهزیستی	روستا
۱٦	۳۹	۸	خانه‌دار	دیپلم	یک پسر	با پدر و مادر	خانواده و بهزیستی	روستا
۱۷	۲۷	۳	خانه‌دار	دیپلم	بدون فرزند	با پدر و مادر	خانواده	روستا
۱۸	۳۷	۵	خانه‌دار	پنج ابتدایی	بدون فرزند	با مادر	بهزیستی	روستا
۱۹	۳۵	٦	کارگری	بی‌سواد	بدون فرزند	با خواهر	بهزیستی	روستا
۲۰	٤۲	۸	خانه‌دار	دیپلم	یک دختر	مستقل	کمیته	شهر

۷. یافته‌ها:

یافته‌های این پژوهش دست‌یابی به هدف اصلی تحقیق که مطالعهٔ پدیدارشناختی زندگی پس از طلاق زنان و پاسخ‌گویی به سه سؤال اصلی است. سؤال اول پژوهش در خصوص تجارب

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

زیستهٔ زنان مطلقه است. اطلاع‌رسان‌ها این تجارب را در دو بُعد تجارب سلبی و تجارب ایجابی ذکر کرده‌اند. تجارب سلبی همان‌گونه که در جدول ٤ آمده‌اند بر معانات زنان از زندگی پس از طلاق و مشکلات و مصائبی که پیش رو داشته‌اند، دلالت دارند.

تألمات روحی زنان شامل دو بُعد ذهن و عین است. بُعد ذهنی گواهی بر احساس زوال، احساس درماندگی و بحران معنا است و بُعد عینی معرف پیامدهای نامناسب روحی و روانی طلاق‌اند:

> طلاقم موجب افسردگی‌ام شد و افسردگی‌ام آن‌قدر شدید بود که روی معده‌ام تأثیر گذاشت و چند ماهی هم بستری شدم. خیلی دوست دارم در جمع آشنایان و دیگران باشم ولی نمی‌توانم چون وقتی میان جمع، می‌روم، درگوشی پچ‌پچ می‌کنند که بیوهٔ پولداری است؛ یعنی به جورهایی متلک بارم می‌کنند که مهریه‌ام را گرفته‌ام. یا وقتی به عروسی می‌روم، صاحب عروسی خوشش نمی‌آید. می‌گویند: قدمش برایمان خوب نیست، نحس است. من هم با این واکنش‌های اطرافیان، دیگر جسم و روح سالمی برایم نمانده است. شوقی برای بیرون رفتن ندارم. همیشه در کنج خانه مثل اسیری در قفس، خود را حبس کرده‌ام و تنها همدمم اشک دیدگانم است. فضای درون خودم و نگاه‌های بیرون طوری است که فکر می‌کنم اگر در جمع قرار بگیرم باید همیشه سرم پایین باشد و هیچ نگویم. به‌ناچار برای رهایی از نیش زبان و نگاه سنگین اطرافیان خودم را در کنج خانه زندانی کرده‌ام (کژال ۳۸ ساله).

بحران استقلال، مقولهٔ دیگری است که زندگی پس از طلاق را برای زنان مطلقه ناگوار ساخته است. خانواده و جامعه با کنترل شدید زنان، فردیت آنان را مخدوش نموده‌اند. خانواده از یک سو، با اعمال محدودیت‌های مختلف نظیر محدودیت ارتباط با دیگران و خروج از منزل و محدودیت آرایش کردن و انتخاب لباس، نظام ترجیحات زن را تحت سیطرهٔ خویش قرار داده و از او موجودی منقاد ساخته است. جامعه نیز با نظارت شدید بر حرکات و سکنات زنان مطلقه، احساس آزادی را از آنان سلب نموده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تا زمانی که جدا نشده بودم، خیلی راحت سوار ماشین فامیل‌ها می‌شدم و با آن‌ها رفت‌وآمد داشتم. رابطه‌ام با همسایه‌ها خوب بود. کسی کاری به کارم نداشت؛ اما از زمانی که جدا شدم جرأت نمی‌کنم، سوار ماشین فامیل بشوم یا دیر به خانه بیایم یا با مردهای فامیل حرف بزنم؛ مثلاً پسری عموی خودم اگر دو بار مرا به خانه برساند، همه می‌گویند: سر وسری بینشان هست. هرچه انگ و تهمت به ذهنشان می‌رسد، به من نسبت می‌دهند. متأسفانه مردم خیلی زود قضاوت می‌کنند (شهین ۲۵ ساله).

مردم زن مطلقه را درک نمی‌کنند. هرگونه تهمت و انگی که بخواهند، به او می‌زنند و در خیلی از چیزها او را محدود می‌کنند؛ مثلاً بیرون رفتن، آرایش کردن، لباس شاد و رنگی پوشیدن، با دیگران رفت‌وآمد داشتن و حتی لاک زدن را برای زن بیوه زشت می‌دانند و اگر زن مطلقه، این کارها را انجام بدهد، تصورشان این است که این زن برای جلب نظر شخص خاصی این کارها را انجام می‌دهد؛ و یا اگر بعد از مدت کوتاهی از طلاقش خواستگار داشته باشد، می‌گویند: بله، به خاطر همین، بوده که از شوهرش جداشده است. اگر هم خواستگار مورد خوبی باشد، مجبوری به خاطر این دیدگاه بد مردم، درخواستش را قبول نکنی (سهیلا ۳۷ ساله).

طرد اجتماعی، پیامد ناگوار دیگری است که زنان مطلقه روایت‌گر آن بوده‌اند. طرد اجتماعی زنان شامل بی‌مأوایی و بی‌پناهی آنان، تجربهٔ فقر و داغ ننگ است. زنان مطلقه از یک سو شاهد شانه خالی کردن دوستان و آشنایان از پذیرش و حمایت اجتماعی آنان‌اند و از سویی دیگر با انبوهی از مشکلات اقتصادی و معیشتی مواجه‌اند. مشکلاتی که گاه خانواده و دوستان و خویشاوندان نسبت به رفع آن‌ها بی‌تفاوت‌اند. در کنار چنین تنگناهایی، داغ ننگ ناشی از شنیدن انواع تهمت‌ها و طعنه‌ها و برچسب‌ها نیز مزید بر علت شده و زندگی را بر آنان دشوار ساخته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تهمت‌های مردم، نگاه‌های معنادارشان به من، سرزنش شدنم توسط خانواده‌ام و متلک زدن اطرافیان، خیلی مرا اذیت می‌کند. جرأت نمی‌کنم با یکی دهن به دهن شوم، هرچه بد و ناسزاست به من نسبت می‌دهند و طلاقم را به رخم می‌کشند و با گستاخی تمام می‌گویند: که اگر زن خوبی بودی، طلاق نمی‌گرفتی. تو ولگرد خیابانی بودی و همین کارها را می‌کردی که شوهرت چند ماه چند ماه ولت می‌کرد و می‌رفت. من هم هیچ جوابی ندارم (محبوبه ۳۹ ساله).

محدودیت ازدواج مجدد زنان مطلقه معضل دیگری است که در گسترهٔ تجارب زیستهٔ سلبی آنان قرار دارد. این محدودیت‌ها شامل تصورات نامناسب زنان از مرد و یادآوری شکست‌های پیشین، موانعی نظیر کبر سن و کمینگی سرمایهٔ جنسی (زیبایی) و هراس از آینده به دلیل نگرانی از آیندهٔ مبهم خود و فرزندانشان است.

آینده‌ام را خوب نمی‌بینم. هرچه باشد، من، یک زن مطلقه هستم با یک بچه که هیچ درآمدی ندارم. نمی‌دانم آیندهٔ خودم و پسرم چگونه رقم خواهد خورد؟ برای یک زن مطلقه هر اتفاقی ممکن است، پیش بیاید و حتی ممکن است که تا آخر عمر رنگ خوشی به خود نبیند (مریم ۲۹ ساله). من زندگی‌ام را سرد و تاریک می‌بینم چون به داشتن آینده‌ای خوب، امیدی ندارم. من الان چهار سال است که طلاق گرفته‌ام. در این مدت جز بدبختی، چیز دیگری ندیده‌ام. هیچ نقطهٔ روشنی در زندگی‌ام احساس نمی‌کنم. روز به روز وضعیتم بدتر می‌شود. دخترم بزرگ شده است و نیازهای بیشتری دارد. من نمی‌توانم نیازهایش را برطرف کنم (الهام ٤٢ ساله). به آینده امیدی ندارم. آینده برایم مبهم است. سر دوراهی قرارگرفته‌ام. به هیچ‌کس اعتماد ندارم. نمی‌دانم چه بر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سرم خواهد آمد؟ با این شرایط نامطلوبی که دارم از آینده می‌ترسم (مهری ۲۸ ساله).

جدول شمارهٔ پنج- تجارب زیستهٔ سلبی زنان مطلقه از طلاق

مفهوم	مقوله سطح ۱	مقوله سطح ۲	تم اصلی
احساس ضعف، احساس سرافکندگی، احساس خجالت، احساس تنهایی	احساس زوال روحی	تألمات روحی	تجارب زیستهٔ سلبی پس از طلاق
بدبخت تلقی شدن زن مطلقه، ترحم گزندهٔ خانواده، ترحم گزندهٔ خویشان، ترحم گزندهٔ سایرین	احساس درماندگی		
پوچ‌انگاری دنیا، احساس بی‌ارزشی زندگی، حسرت آرزوهای بربادرفته	بحران معنا		
افسردگی، اضطراب، ترس، زودرنجی، گوشه‌گیری، اعتمادبه‌نفس پایین، نداشتن آرامش، هجوم فکر و خیال	فرسایش روحی		
تعصبات خانوادگی، محدودیت حضور زن در جشن‌ها و بازار و ارتباط با دیگران	حصر خانگی	بحران استقلال	
محدودیت آرایش کردن و لباس باب میل پوشیدن و استفاده از زیورآلات	حذف فردیت		
زیر ذره‌بین جامعه بودن، رصد شدن حرکات و سکنات، تذکر خوردن	کنترل اجتماعی مضاعف		
بی‌توجهی دیگران، تنها ماندن،، دربه‌دری، بی‌احترامی همسایه‌ها، روی برتافتن خویشاوندان، سرد برخورد کردن دوستان، عدم‌حمایت مالی خانواده	بی مأوایی	طرد اجتماعی	
تجربهٔ فقر، نداشتن درآمد، وابستگی مالی به دیگران، حسرت نیازهای برآورده نشدهٔ معیشتی	تجربه فقر بی حامی		
قضاوت ناصواب مردم، برچسب خوردن، طعنه شنیدن، تهمت خوردن، هدف شایعات شدن	داغ ننگ		
تصور بی‌وفایی مردان، تنفر از مردان، یادآوری شکست پیشین	تصورات نامناسب	محدودیت ازدواج مجدد	تجارب زیستهٔ سلبی پس از طلاق
بیماری، کبر سن، فقر سرمایه جنسی، محدودیت‌های انتخاب،	محدودیت‌های انتخاب		
هراس از شکست مجدد، نگرانی از آینده، ابهام آینده، نگران آینده فرزندان	آینده هراسی		

تجارب زیستهٔ ایجابی زنان که در جدول ۵ ذکر شده‌اند، بیانگر احساس خوب زنان نسبت به زندگی پس از طلاق و رضایت از آن است. به‌عبارتی‌دیگر، در مقابل زنانی که طلاق را تهدید تلقی کرده‌اند، زنان دیگری هستند که طلاق را فرصت دانسته‌اند. چنین فرصتی برآیند حمایت و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پذیرش اجتماعی خانواده و خویشاوندان از طلاق، رضایت زنان مطلقه از زندگی فعلی و حس خوب نسبت به آن داشتن و احساس آسایش و آرامش روانی در زندگی کنونی است.

> احساس می‌کنم که از کابوس وحشتناکی بیدار شده‌ام و زندگی اون ور خوبش را داره نشونم میده. وقتی‌که شرایط خوب الآن را با دوران زندگی پردرد و سرم با شوهر قبلی‌ام مقایسه می‌کنم احساس می‌کنم که از تاریکی به‌سوی نور آمده‌ام. الآن از زندگی خودم خیلی راضی هستم و فعلاً فکر ازدواج مجدد در سرم نیست چون نمی‌خوام این لحظات خوب رو از دست بدم (بهار ۳۰ ساله).

جدول شمارهٔ شش- تجارب زیستهٔ ایجابی زنان مطلقه از طلاق

مفهوم	مقوله سطح ۱	مقوله سطح ۲	تم اصلی
حمایت خویشاوندان، ابتهاج خانواده و خویشاوندان،	حمایت و پذیرش اجتماعی	حمایت و پذیرش اجتماعی	تجارب زیستهٔ ایجابی پس از طلاق
رضایت از زندگی فعلی، رهایی از دغدغه‌های پیشین، حس خوب به زندگی داشتن، کسب استقلال	رضایت از زندگی	استقرار و استمرار زندگی	
کسب آرامش و آسایش روحی و روانی، رهایی از ترس مداوم، رهایی از اضطراب	آسایش و آرامش روحی و روانی		

طلاق همواره از نظر زنان با خوانش‌های مختلفی مواجه بوده است، با دلالت‌های معنایی متفاوت. آنان تعاریف مختلفی از طلاق ارائه نموده‌اند. با توجه به مقولات جدول شمارهٔ ٦، این خوانش‌ها و دلالت‌ها در دو بُعد سلبی و ایجابی قرار دارند. طلاق در خوانش ایجابی زنان مطلقه، به‌مثابه آزادی است. این آزادی برآیند تولدی دیگر و کسب آسایش و آرامش است. طلاق از این منظر به‌منزلهٔ خروج از دشواری‌های و بازسُرایی و بازتعریف زندگی برای کسب استقلال در سایهٔ آرامش روحی و روانی است. خوانش سلبی طلاق از نگاه جمعی دیگر از اطلاع‌رسان‌ها به‌منزلهٔ گرفتاری و دربند شدن است. در این تعریف، طلاق به‌مثابه شکست در زندگی، احساس بی‌مقداری و تحت نظارت شدید خانواده و جامعه قرار گرفتن است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شمارهٔ هفت- دلالت معنایی زنان مطلقه از طلاق

مفهوم	مقوله سطح ۱	مقوله سطح ۲	تم اصلی
طلاق: خروج از دشواری‌ها، تولدی دیگر، باز سُرایی زندگی، نغمهٔ خوش زندگی	طلاق تولدی دیگر	طلاق به‌مثابه آزادی	دلالت معنایی ایجابی طلاق
طلاق: به‌مثابه آزادی، استقلال، آسایش، آرامش	طلاق به‌مثابه آسایش		
طلاق آغاز: بدبختی، دربه‌دری، شکست، فقر، بی‌پناهی	طلاق به‌مثابه شکست	طلاق به‌مثابه گرفتاری مجدد	دلالت معنایی سلبی طلاق
طلاق آغاز: فروپاشی اعتمادبه‌نفس، فرسایش قدر و منزلت، احساس نقصان، مطابق میل دیگران رفتار کردن	طلاق به‌مثابه بی‌مقداری		
طلاق به‌مثابه: در بند بودن، تهمت خوردن، طعنه شنیدن، نظارت و محدودیت،	طلاق به‌مثابه دربند بودن		

تصویری که زنان از «مرد» دارند قبل و بعد از طلاق با یکدیگر متفاوت است. با توجه به مقولات جدول شمارهٔ ۷، زنان اظهار داشته‌اند که در آغاز زندگی مشترک، مرد را به‌مثابه یک حامی قابل اعتماد دانسته‌اند که مایهٔ قوت قلب است و پاسخ‌گوی نیازها و بر آورندهٔ آرزوهای آنان است. کسی که بار زندگی را به دوش می‌کشد تا موجبات آسایش زن و فرزندانش را مهیا سازد؛ اما بعد از طلاق، چنین خوانشی تغییر کرده و شاهد بازتعریف آن هستیم. مرد از منظر زنان مطلقه، شریکی متزلزل است. موجودی است که واجد تمام صفات نامناسب اخلاقی و اجتماعی است. فردی است کام‌جو و خیانت‌پیشه که بازیچهٔ دست دیگران است.

> تصور من از مرد، قبل از ازدواج، خوب بود. اعتقاد داشتم که باید یک مرد در زندگی زن باشد. مردی که مسؤولیت‌پذیر باشد و بتواند تکیه‌گاهی محکم و پشتوانه‌ای قوی برای زندگی باشد (مهسا ۳۷ ساله). مرد؛ یعنی یک زندگی آرام و همراه با رفاه. زن با وجود مرد هیچ کمبودی را در زندگی احساس نمی‌کند (الناز ۳۲ ساله). مرد؛ یعنی، کسی که وجودش آرامش روح و روان و ایجادکنندهٔ زندگی پر از آسایش است. مرد؛ یعنی، خوشبختی برای زن (نرگس ٤١ ساله). مرد؛ یعنی، کسی که به تو وفادار است و در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کنارش بودن برایت آرامش‌بخش و برطرف‌کنندهٔ نیازهای عاطفی و احساس تنهایی نکردن است (سمیرا ۳۲ ساله).

من با شناختی که از مردها پیدا کردم، باورم این است که هیچ مردی صادق نیست. اول چهرهٔ واقعی خودشان را پنهان می‌کنند اما به‌مرور زمان آن روی واقعی آن‌ها آشکار می‌شود. کلاً من معتقدم که مردها پنهان‌کارند و هیچ صداقتی ندارند (مهسا ۳۷ ساله). من از مردها، نفرت دارم به آن‌ها اعتماد ندارم چون قابل اعتماد نیستند. به نظر من مردها همه خیانت‌کارند. الآن دیگر در این عصر و زمانه، هیچ مرد پاکی وجود ندارد (نرگس ٤١ ساله). به نظرم مردها بی‌اخلاق هستند. بعضی از زن‌ها خیلی صبر دارند که آن‌ها را تحمل می‌کنند. خیلی از زن‌ها واقعاً از سر ناچاری مجبورند، بسوزند و بسازند ولی من معتقدم، مردی که بی‌اخلاق است، غیرقابل‌تحمل است (سمیرا ۳۲ ساله).

جدول شمارهٔ هشت- دلالت معنایی زنان مطلقه از مفهوم مرد قبل و بعد از طلاق

مفهوم	مقوله سطح ۱	مقوله سطح ۲	مقوله سطح ۳
حامی، پشتوانه، قوت قلب، مایه آرامش، پاسخ‌گوی نیازهای عاطفی، برآورندهٔ آرزوها، به دوش کشندهٔ بار زندگی، مایهٔ استغنای مالی از دیگران	مرد به‌مثابه شریکی استوار	دلالت معنایی مرد قبل از طلاق	دلالت معنایی پیشین و فعلی از مرد
غیرقابل‌اعتماد، کام‌جو، فرصت‌طلب، دروغ‌گو، خیانت‌پیشه، بی‌وفا، بدبین، پنهان‌کار، تهمت‌زن، بازیچه دیگران،	مرد به‌مثابه شریکی متزلزل	دلالت معنایی مرد پس از طلاق	

۸. نتیجه‌گیری و بحث

طلاق به فرآیند قانونی فسخ ازدواج گفته می‌شود و به همسران قبلی اجازه می‌دهد که در صورت تمایل، مجدداً ازدواج کنند (کندال، ۱۳۹۲: ٤٧٢). طلاق برای مردان و زنانی که از یکدیگر جدا شده‌اند دارای دلالت‌های معنایی مختلفی است که ریشه در تجربهٔ زیستهٔ این پدیدهٔ اجتماعی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دارند. تجربهٔ زیستهٔ زنان ایلامی از طلاق، روایت مبهمی است که در حوزهٔ پژوهش‌های جامعه‌شناختی کمتر مورد توجه بوده و این خلأ ضررت درون فهمی آن را دوچندان کرده است.

مطالعهٔ پدیدار شناختی تجربهٔ زیسته‌ی زنان مطلقهٔ شهرستان دره شهر بر مبنای سه سؤال انجام پذیرفت. سؤال اول در خصوص چگونگی تجارب زیستهٔ زنان مطلقه و سؤالات دوم و سوم شامل دلالت معنایی زنان مطلقه از طلاق و خوانش پیش و پس از طلاق آنان از مفهوم مرد است.

تجارب زیسته‌ی زنان از طلاق شامل دو نوع تجربهٔ سلبی و ایجابی است. تجارب زیستهٔ سلبی آنان دربرگیرنده‌ی تألمات روحی، بحران استقلال، طرد اجتماعی و محدودیت‌های ازدواج مجدد است. تجارب زیستهٔ سلبی برآیند دو سازوکار نظارت شدید اجتماعی و برحسب است که طرد اجتماعی و جداافتادگی زنان را در پی داشته است.

زنان مطلقه از این‌که همواره در زیر ذره‌بین نزدیکان و دیگران قرار دارند اظهار نگرانی و تشویش نموده‌اند. این نظارت به تعبیر آلن بیرو شامل «مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها، یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسومی منطبق با آن‌چه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد» (بیرو، ۱۳٦٦: ۳٤۸). نظارت اجتماعی اعمال‌شده بر زنان مطلقه نه از نوع اقناع‌سازی که از نوع مجازات حقوقی و تنبیه است. نتیجهٔ چنین سوق دادنی از نظر زنان مطلقه چیزی جز پریشان‌خاطری نیست. این پریشان‌احوالی با نظریات مربوط به اضطراب اجتماعی هم‌سو است. «اضطراب اجتماعی ترس شدید و دائم از یک موقعیت جمعی یا عملکردی است که طی آن فرد در برابر چشمان افراد ناآشنا قرار می‌گیرد و این احتمال وجود دارد که دیگران او را مورد موشکافی قرار دهند. فرد در چنین موقعیتی می‌ترسد به‌گونه‌ای رفتار کند که تحقیر یا شرمنده شود، ازاین‌رو از رفتارهای بین فردی خودداری می‌کند» (کلانتری و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

اضطراب اجتماعی سبب کاهش اعتمادبه‌نفس زنان و خوانش فروکاسته‌ای از توانمندی‌هایشان شده است. این یافته با مباحث مربوط به خود پندارهٔ منفی هم‌خوانی دارد. «پژوهش‌های متواتر علمی نشان داده است که زندگی ما تا حد زیادی تحت تأثیر ادراکی است که دربارهٔ خود داریم (خودپنداره). هر چه ذهن ما خلاق باشد و قدرت انتزاع آن توسعه یابد، آدمی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

می‌تواند تصور بهتری از خود در ذهن پرورش بدهد و نیروی آزاد شده از این «خودانگاره» را رها سازد و به زندگی خویش روانه کند» (فراستخواه، ۱۳۹٦: ۲۲).

زنان مطلقهٔ به‌عنوان افرادی بدون حامی همواره در تیررس نگاه مظنون جامعه بوده‌اند. نگاهی تردیدآمیز که لبریز از برچسب‌هایی است که ابداع‌کنندگان برای هم‌نوا ساختن زنان با قوانین و هنجارهای مورد انتظار خود ایجاد کرده‌اند. چنین یافته‌ای با نظریهٔ برچسب اجتماعی هوارد بکر و داغ ننگ گافمن سنخیت دارد.

نظریهٔ برچسب زدن داعیه‌دار آن است که «انحراف در فرآیندی اجتماعی شکل می‌گیرد که طی آن، نهادهای کنترل اجتماعی افراد معینی را منحرف معرفی می‌کنند و درنتیجه، این افراد نیز برچسبی را که به آنان زده‌اند را می‌پذیرند و بر اساس آن عمل می‌کنند» (کندال، ۱۳۹۲: ۳۰٦). از دیدگاه هوارد بکر (۱۹٦۳)، ابداع‌کنندگان اخلاق غالباً کسانی هستند که قوانین تعیین‌کنندهٔ رفتار مرسوم و کج‌روی را وضع می‌کنند. بکر معتقد است، ابداع‌کنندگان اخلاق برای تعیین قوانینی که انتظار دارند دیگران آن‌ها را به کار بگیرند، از دیدگاه‌های خود دربارهٔ «حق» و «باطل» استفاده می‌کنند. همچنین برچسب انحراف را به دیگران می‌زنند (همان: ۳۰٦-۳۰۵).

از نظر گافمن، داغ ننگ با نسبت دادن صفتی که در بطن تصاویر کلیشه‌ای ناشایست حک شده است اعضای گروه اجتماعی را بی‌اعتبار می‌کند و هویت تباه‌شده برای آنان بر جای می‌دهد پدیده‌ای که هم با یک نقص آشکار می‌تواند حضور یابد و هم با ویژگی‌هایی که آشکار نیست اما ناشایست تلقی می‌شوند (رامسدن، ۲۰۰۹ به نقل از قانع عزآبادی و قاسمی، ۱۳۹٦).

برچسب اجتماعی و داغ ننگ سبب طرد اجتماعی زنان مطلقه شده است. این طرد موجبات بی مأوایی زنان را در لحظات دشوار فقر اقتصادی فراهم ساخته است. / «طرد اجتماعی عبارت است از محرومیتی طولانی‌مدت که به جدایی از جریان اصلی جامعه می‌انجامد فرآیندی که درنتیجهٔ آن افراد و گروه‌های اجتماعی معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند» (سفیری و همکاران، ۱۳۹۹). طرد اجتماعی و فقر برگرفته از دیدگاه آمارتیا سن[1] موسوم به ناکامی قابلیتی[2] هستند با این تفاوت که در رویکرد طرد اجتماعی این ناکامی به معنی ناتوانی در مشارکت و یا

[1] Amartya Sen
[2] Capability Failure

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ناتوانی عملکردی[1] است و برای فهمیدن و سنجیدن رابطه افراد با حوزه‌های متفاوت جامعه به کار می‌رود ولی مفهوم فقر محدود به کمبود اقتصادی است. طرد در یک صورت‌بندی جامع‌تر فرآیند ممانعت از ورود فرد به عرصه‌های نظام اقتصادی اجتماعی سیاسی یا فرهنگی در جامعه است (سفیری و همکاران، ۱۳۹۹).

تجارب زیستهٔ سلبی زنان در این پژوهش با یافته‌های پژوهشی یاریگر روش (۱٤۰۱)، رضایی نسب (۱٤۰۰)، عبداللهی و همکاران (۱۳۹۹)، امانی و همکاران (۱۳۹۸)، حیاتی و سلمانی (۱۳۹۷)، خلج آبادی و اژدری (۱۳۹۷)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۹٦)، نیکبخت و نصرآبادی (۱۳۹۵)، حامد قمر و فائز فایزان (۲۰۲۱) و پیرک و همکاران (۲۰۱۹) سنخیت دارند.

تجارب ایجابی برخی دیگر از زنان مطلقه از طلاق شامل موردپذیرش اجتماعی قرار گرفتن، رضایت از زندگی و آسایش و آرامش روحی و روانی است. این احساس خوشایند ریشه در حمایت اجتماعی دارد و این یافته با مباحث این حوزه هم‌دستان است؛ زیرا «حمایت اجتماعی به این مسأله می‌پردازد که فرد در زندگی خود و هنگام مشکلات از هم‌فکری و مساعدت‌های اطرفیان خود (خانواده و دوستان و...) بهره‌مند شود و بتواند با آن‌ها احساس نزدیکی کند (نصیری ولیک بنی و عبدالملکی، ۱۳۹۵). یافته به‌دست‌آمده مؤید نظریه کهن و ویلز است که بیانگر محقق شدن چهار نوع حمایت اجتماعی عزتمند، اطلاعاتی، عاطفی و ابزاری است. تجارب ایجابی زنان با یافته‌های پژوهش حسنی و همکاران (۱۳۹۲) هم‌سو می‌باشد.

دلالت معنایی مختلف زنان مطلقه نسبت به یک رخداد (تجربهٔ طلاق) با بحث دگرگونی ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های اینگلهارت[2] هم‌سویی دارد. اینگلهارت بر این باور است که ما تفاوت‌های پایدار اما نه غیرقابل تغییری را میان ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادات مردمان گوناگون می‌یابیم. این بدین معنی است که افراد و گروه‌های مختلف مردم در موقعیت‌های مشابه واکنش متفاوتی دارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ٤۷۷).

دلالت معنایی زنان از طلاق سؤال دوم تحقیق است که اطلاع‌رسان‌ها دو خوانش سلبی و ایجابی از آن داشته‌اند. طلاق از یک‌سو برای برخی از زنان به‌مثابه آزادی است و برای گروهی

[1] Functioning Failure
[2] Ronald Inglehart

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دیگر از آنان به‌مثابه گرفتاری. این دلالت‌های معنایی ریشه در نحوهٔ مواجههٔ خانواده‌ها، خویشاوندان و جامعه با پدیدهٔ طلاق و میزان پذیرش و حمایت اجتماعی آنان از زنان مطلقه است. این یافته با مباحث نظری داغ ننگ و طرد اجتماعی هم‌سو است.

سؤال آخر پژوهش به تعریف زنان پیش و بعد از طلاق از مفهوم «مرد» مربوط می‌شود. زنان قبل از طلاق با خوانشی مثبت از مرد وارد زندگی مشترک شده‌اند. مرد از نظر آنان به‌مثابه شریکی قابل اعتماد است که می‌توان مسیر زندگی را با آسودگی در کنار او پیمود؛ اما پس از طلاق و جدایی، خوانش آنان از مرد تغییر کرده و آنان مرد شریکی متزلزل دانسته‌اند که واجد تمام رذایل اخلاقی است. این دگرگونی معنا با نظریهٔ دگرگونی مردانگی و زنانگی «کانل» هم‌سو می‌باشد.

کانال اعتقاد دارد که جلوه‌های بسیار مختلفی از مردانگی و زنانگی وجود دارند که به‌صورت سلسله مراتبی منظم می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۷۵). کانال از «تیپ‌های ایده‌آل» تصنعی مردانگی و زنانگی در سلسله‌مراتب خویش استفاده می‌کند. در رأس این سلسه مراتب مردانگی هژمونیک[1] قرار دارد (همان). سایر مردانگی‌ها شامل، مردانگی هم‌دست، مردانگی زیردست می‌باشند.

یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش دارای وجوه مشابهت و مفارقت با پژوهش‌های پیشین است. وجه‌مشابهت مقولات به‌دست آمده عبارت‌اند از: مشکلات مالی و اقتصادی (حسنی و همکاران، ۹۲؛ نیکبخت نصرآبادی، ۹۵؛ آزمند و اژدری، ۹۷ و یاریگرروش، ۱۴۰۱)، مشکلات روحی و روانی فرد (حسنی و همکاران، ۹۲؛ نیکبخت نصرآبادی، ۹۵؛ آزمند و اژدری، ۹۷؛ عبداللهی، ۹۹؛ یاریگرروش، ۱۴۰۱)؛ مشکلات روحی و روانی فرزندان (خجسته‌مهر، ۹۶؛ امانی، ۹۸؛ یاریگرروش، ۱۴۰۱)؛ ابهام آینده فرزندان (حسنی و همکاران، ۹۲؛ آزمند و اژدری، ۹۷)؛ ابهام آینده فرد (حسنی و همکاران، ۹۲)؛ برچسب خوردن، طرد اجتماعی (حسنی و همکاران، ۹۲؛ نیکبخت نصرآبادی، ۹۵؛ خلج آبادی، ۹۶؛ یاریگرروش، ۱۴۰۱)، تعارض و تنش با خانواده (حسنی و همکاران، ۹۲، نیکبخت نصرآبادی، ۹۵؛ عبداللهی، ۹۹)، احساس ناامنی (عبداللهی، ۹۹؛ یاریگر روش، ۱۴۰۱)، نگرش منفی به مرد (عبداللهی، ۹۹)، فشار اجتماعی (حسنی و همکاران، ۹۲).

وجه مفارقت یافته‌های به‌دست آمده که سبب تمایز آن از پژوهش‌های مشابه شده است مقولاتی است که عبارت‌اند از: بحران معنا، حصر خانگی، حذف فردیت، بی‌مأوایی، داغ ننگ،

[1] Hegemonic masculinity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

محدودیت‌های انتخاب مجدد، تجارب زیستهٔ سلبی و ایجابی، دلالت معنایی ایجابی طلاق، دلالت معنایی از مرد قبل و بعد از طلاق. در این پژوهش تجربهٔ زیستهٔ زنان از زندگی پس از طلاق در سطح خُرد، میانی و کلان مطالعه شده است که بر جامعیت یافته‌ها افزوده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. آرمند، محمدعلی و آرام اژدری (۱۳۹۷) «زندگی زنان پس از طلاق با رویکردی کیفی (مطالعهٔ موردی: شهرستان شاهین‌دژ)»، **پژوهش‌های جامعه‌شناختی**، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۳ و ٤، شمارهٔ پیاپی ٤٥، زمستان: ۲۵-۷.

۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸٦) جامعه‌شناسی خانوادهٔ ایرانی، تهران: سمت.

۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹) **جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی**، تهران: علم.

٤. آقایی، ابراهیم (۱۳۹٤) «**مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ مردان و زنان طلاق گرفته شهر شیراز**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی.

۵. اردلی، نسرین؛ عطاری، یوسفعلی و فاطمه جوادزاده شهشهانی (۱٤۰۰) «مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ زوج‌های در معرض طلاق و طلاق‌گرفته شهر اهواز و و تدوین بستهٔ آموزشی پیشگیری از طلاق»، **توسعهٔ اجتماعی**، دورهٔ ۱۵، شمارهٔ ۳، پیاپی ۵۹، خرداد: ۱٤۰-۱۰۷.

٦. اسکندر پور، هدی (۱۳۹۵) «رابطهٔ تاب‌آوری و رضایت زناشویی با میزان طلاق در زوجین شهر ایلام»، **پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی**.

۷. اسماعیلی، عبدالله و احسان صید یوسفی (۱۳۹٦) «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیدهٔ طلاق (شهر ایلام)»، **اولین کنگرهٔ بین‌المللی پژوهش‌های تخصصی در علوم**، مهندسی و فناوری‌های دانشگاهی.

۸. اعزازی، شهلا (۱۳۸٦) **جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

۹. افشانی، سید علیرضا و نفیسه محمدی (۱۳۸٤) «رابطهٔ سرمایهٔ اجتماعی و حمایت اجتماعی در بین بیماران مبتلا به دیابت در شهر یزد»، **پژوهش‌نامهٔ مددکاری اجتماعی**، سال دوم، شمارهٔ ٦، زمستان: ۷٤-٤۱.

۱۰. امانی، زکیه؛ زهرا کار، کیانوش و علیرضا کیامنش (۱۳۹۸) «شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی»، **فصل‌نامهٔ فرهنگی تربیتی زنان و خانواده**، دورهٔ ۱٤، شمارهٔ ٤۷، تابستان: ۸۱-۵۹.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) **تحول فرهنگی در جامعهٔ پیشرفتهٔ صنعتی**، ترجمهٔ مریم وتر، تهران: کویر.

۱۲. بودلایی، حسن (۱۳۹۵) **روش تحقیق پدیدارشناسی**، تهران: جامعه‌شناسان.

۱۳. بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵) **فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی**، ترجمهٔ عبدالحسین نیک گهر، تهران: فرهنگ معاصر.

۱۴. بیرو، آلن (۱۳۶۶) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمهٔ بافر ساروخانی، تهران: کیهان.

۱۵. پیری، روضان (۱۳۸۶) «عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقهٔ اجتماعی مطالعه موردی استان ایلام»، **مجموعه مقالات همایش آسیب‌های اجتماعی شهرستان دره شهر**.

۱۶. حسنی، رضا؛ قدرتی، حسین و مهناز امیر پور (۱۳۹۲) «پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه‌ی شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)»، **مطالعات علوم اجتماعی ایران**، سال دهم، شمارهٔ چهل و دوم، پاییز: ۴۹-۳۳.

۱۷. حیاتی، مژگان و شهلا سلیمانی (۱۳۹۷) «پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی»، **رویش روان‌شناسی**، سال ۷، شمارهٔ ۱۱، شمارهٔ پیاپی ۳۲، زمستان: ۲۸۸-۲۷۳.

۱۸. خجسته مهر، رضا؛ فلاحی خشک ناب، مسعود؛ حجاری، سارا و منصور سودانی (۱۳۹۶) «فرزندپروری پس از طلاق: یک پژوهش کیفی»، **تحقیقات علوم رفتاری**، دورهٔ ۱۵، شمارهٔ ۲: ۲۴۵-۲۳۹.

۱۹. خلج آبادی فراهانی، فریده، تنها، فاطمه و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۶) «تجربهٔ زیسته‌ی زنان مطلقهٔ شهر ساوه در حوزهٔ روابط خانوادگی و اجتماعی»، **زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**: دورهٔ ۱۵، شمارهٔ ۲: ۲۴۰-۲۲۳.

۲۰. رستگار خالد، امیر (۱۳۸۴) «گسترش نقش زنان در جهت حمایت‌های شغلی - خانوادگی»، **مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران**، شمارهٔ ۴: ۱۶۵-۱۲۶.

۲۱. رضایی نسب، زهرا (۱۴۰۰) «فرآیند شکل‌گیری طلاق در بین زنان مطلقهٔ شهر ایلام»، **مسائل اجتماعی ایران**، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۱: ۳۳۲-۲۹۹.

۲۲. زارعی، فاطمه؛ مرقاتی‌خویی، عفت‌السادات؛ تقدیسی، محمدحسین؛ صلحی، مهناز؛ نجات، سحرناز؛ شجاعی‌زاده، داوود؛ رجعتی، فاطمه و اعظم رحمانی (۱۳۹۲) «طلاق از دیدگاه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

زن مطلقه: پژوهش کیفی»، **نشریهٔ تحقیقات کیفی در علوم سلامت**، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۳: ۲٤۷-۲۳٤.

۲۳. زاهدی اصل، محمد و صلاح‌الدین صالح (۱۳۹۳) «حمایت اجتماعی و میزان سلامت اجتماعی همسران جانبازان اعصاب و روان شهر تهران»، **فصل‌نامهٔ پژوهش‌نامهٔ مددکاری**، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱، پیاپی ۱: ۲٤٤-۲۰۷.

۲٤. ساروخانی، باقر (۱۳۷۹) **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، تهران: سروش.

۲۵. سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۹) تحلیل آماری ازدواج و طلاق ایرانیان، تهران: سازمان ثبت احوال کشور.

۲٦. سال‌نامهٔ آمارهای جمعیتی ۱۳۹۹ استان ایلام (۱۳۹۹) ایلام: اداره کل ثبت‌احوال استان ایلام.

۲۷. سفیری، خدیجه؛ احیایی، پویان و آیدا مرکزی (۱۳۹۹) «بررسی جامعه‌شناختی احساس طردشدگی زنان در بین خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش ادارهٔ بهزیستی شهر مشهد»، **مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان**، سال ۱۸، شمارهٔ ۱، بهار: ۱۰٤ – ٦۵.

۲۸. شفیعی‌نیا، اعظم؛ فرزاد، ولی اله؛ حسینیان، سیمین و خدیجه ابوالمعالی الحسینی (۱٤۰۰) «تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقه با طلاق‌های غیرمنتظره: یک مطالعهٔ کیفی»، **خانواده درمانی کاربردی**، دورهٔ ۲، شمارهٔ ٤: ۲۱٤-۱۹۲.

۲۹. شیری، سمیه و قباد بهامین (۱۳۹۳) «بررسی رابطهٔ بین آلکسی تایمیا بر رضایت زناشویی در متقاضیان طلاق شهر ایلام»، **نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی**: ۲۲-۱٤.

۳۰. عبداللهی، اصغر؛ احدی، حسن؛ تاجری، بیوک و کبری حاج علیزاده (۱۳۹۹) «تجربهٔ طلاق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران (در پنج سال اول زندگی)»، **مطالعات راهبردی زنان**، دورهٔ ۲۳، شماره ۸۹: ۱٦۲-۱٤۳.

۳۱. فراستخواه، مقصود (۱۳۹٦) **ذهن و همه چیز: طرح‌واره‌هایی برای زیستن**، تهران: کرگدن.

۳۲. فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۹۲) **طرد اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت**، تهران: جامعه‌شناسان.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۳۳. قانع عزآبادی، فرزانه و وحید قاسمی (۱۳۹٦) «پدیدهٔ داغ ننگ چاقی در زنان ۱۵ تا ٤٤ ساله در شهر یزد»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال ۲۸، شمارهٔ ۳: ٦۰-٤۱.

۳٤. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳) **مبانی جمعیت‌شناسی**، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

۳۵. کاملی، محمدجواد (۱۳۸٦) «بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود»، فصلنامهٔ **دانش انتظامی**، شمارهٔ ۳۵: ۱۹۸-۱۸۰.

۳٦. کاوه، محمد (۱۳۹۱) **آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی**، جلد ۲، تهران: جامعه‌شناسان.

۳۷. کرسول، جان (۱۳۹۱) **پویش کیفی و طرح پژوهشی؛ انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریهٔ داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)**، ترجمهٔ حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار.

۳۸. کلانتری، فریبا و ویدا تقی‌زاده (۱۳۹۸) «مقایسهٔ اضطراب اجتماعی، ترس از ارزیابی منفی، تاب‌آوری و امید به زندگی زنان نابارور با زنان بارور»، **رویش روان‌شناسی**، سال ۸، شمارهٔ ۸: ۱۱٦-۱۰۹.

۳۹. کندال، دیانا (۱۳۹۲)، **جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ فریده ممتاز، تهران: جامعه‌شناسان.

٤۰. گافمن، آروین (۱۳۸٦) **داغ ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده**، ترجمهٔ مسعود کیان پور، تهران: مرکز.

٤۱. گل خرمی، زینب (۱۳۹۸) «بررسی رابطهٔ حمایت اجتماعی و حل تعارض با سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقهٔ شهر ایلام»، **چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روان‌شناسی**.

٤۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸٦) **جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ حسن چاوشیان، تهران: نی.

٤۳. مامی، شهرام و زهرا صی گلاب (۱۳۹٦) «بررسی مقایسهٔ سلامت روان در فرزندان طلاق، بدون والد و عادی در سطح شهر ایلام»، **سومین همایش تازه‌های روان‌شناسی مثبت نگر**.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

٤٤. محسنی، رضا علی (۱۳۹۵) «**بررسی علل طلاق در بین مراجعین مرکز اورژانس خدمات اجتماعی بهزیستی شهرستان ایلام در سال ۱۳۹۳**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

٤٥. مشونیس، جان (۱۳۹٦) **مسائل اجتماعی**، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، جلد ۲، تهران: پژوهشکده‌ی فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

٤٦. مظفری نیا، سهراب و مریم قاسمی پور (۱۳۹٦) «بررسی رابطهٔ بین سبک زندگی متأثر از فضای مجازی و طلاق عاطفی در شهر ایلام»، **نشریهٔ فرهنگ ایلام**، شمارهٔ ٥٦ و ٥٧: ۱۹۱-۱۷۲.

٤٧. مؤمنی، مهناز و ساره زرین‌جوی الوار (۱۳۹٦) «تأثیر شبکه‌های مجازی بر افزایش طلاق (مطالعهٔ موردی شهرستان ایلام)»، **اولین کنگرهٔ بین‌المللی پژوهش‌های تخصصی در علوم، مهندسی و فناوری‌های دانشگاهی**.

٤٨. میرزایی، ابراهیم؛ موسی زاده، معصومه و محبت محبی (۱۳۹۸) «تحلیل ثانویه‌ی علل وقوع طلاق در استان ایلام در سال ۱۳۹۵»، **فرهنگ ایلام**، دوره‌ی بیستم، شماره‌ی ٦۲ و ٦۳: ۷۳-٤۸.

٤۹. میرزایی، علی؛ صبوری خسروشاهی، حبیب و رزا کرم‌پرور (۱۳۹۸) «بررسی ارتباط بین سلامت عمومی و طلاق عاطفی در مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره‌ی شهرستان ایلام»، **نشریه‌ی دانشگاه علوم پزشکی ایلام**، شماره‌ی ٦ : ۲۲-١٤.

٥۰. میرزایی، خلیل (۱۳۹۳) **فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی**، تهران: فوژان.

٥۱. نصیری ولیک‌بنی، فخرالسادات و شوبو عبدالملکی (۱۳۹٥) «تبیین ارتباط حمایت اجتماعی ادراک‌شده باکیفیت زندگی با نقش میانجی استرس ادراک‌شده در زنان سرپرست خانوار شهر سنندج»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال ۲۷، شمارهٔ ٤: ۱۱٦-۹۹.

٥۲. نوابی‌نژاد، شکوه؛ محمدی، رزگار؛ کریمی، یوسف و عفت فلاح (۱۳۹٦) «معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعهٔ کیفی پدیدارشناسانه»، **پژوهش زن و جامعه**، شمارهٔ ۳: ۱۱٦-۹۳.

٥۳. نیکبخت نصرآبادی، علیرضا، پاشایی ثابت، فاطمه و علیرضا بستامی (۱۳۹٥) «تجربهٔ زندگی زنان پس از طلاق: یک پژوهش کیفی»، **نشریهٔ روان پرستاری**، دورهٔ ٤، شمارهٔ ۳: ۷٤-٦٦.

٥٤. یاریگر روش، محیا (١٤۰۱) «تجربهٔ زیسته‌ی زنان از زندگی خود و فرزندانشان پس از طلاق»، **فصل‌نامهٔ فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی**، سال ۱۳، شمارهٔ ٥۰: ۲۷٤-۲٥۳.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

55. Center for Disease Control and Prevention (2022) «Marriages and Divorces: Change in the Reporting of Marriage and Divorce Statistics». https://www.cdc.gov htm.

56. Divorce Rates by Country 2023 (2023): https://worldpopulationreview.com/country-rankings/divorce-rates-by-country.

57. Hameed Q, A. Faiza Faizan, H. (2021) «Reasons, Impact, and Post-divorce Adjustment: Lived Experience of Divorced Women in Pakistan». **Journal of Divorce & Remarriage**, Volume 62, Issue 5. pp. 349-373.

58. Pirak, A. Negarandeh, R. Khakbazan, Z (2019) «Ost-Divorce Regret among Iranian Women: A Qualitative Study», **International Journal Community Based Nurs Midwifery**. Jan; 7(1):pp. 75–86.

59. Ramsden, E. (2009) «Confronting the Stigma of Eugenics: Genetics, Demography and the Problems of Population», **Journal of Social Studies of Science**, 39: pp.853-884.

60. Taylor, S. E (1999) Health psychology, New York: Mc Graw-Hill, Inc.4ed.

61. Tuan Huynh, Q. Huy Huynh, L. A (2022) «The Post-Divorce Adjustment of Vietnamese Immigrant Women in Taiwan», **Journal of Divorce & Remarriage**.

62. United Nations, Department of Economic and Social Affairs (2021) **Demographic Year book 71st Issue**. New York: United Nations

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]